

تحلیل مشارکت اجتماعی از دیدگاه قرآن

محمدعلی حقدل

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

چکیده

در اسلام نیز مشارکت اجتماعی اهمیتی بسزا دارد. اسلام در ضرورت مشارکت اجتماعی توصیه‌ها و راهکارهای بسیاری ارائه نموده و بر آن تأکید داشته است. اسلام مشارکت انسان‌ها را ضامن بقای اجتماعی دانسته و جوامعی را که مشارکت می‌کنند، جوامعی پویا می‌داند. مشارکت مؤمنان در عمل اجتماعی که از مصادیق عمل صالح و احسان است، دایره‌ای گسترده از اعمال در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی و مانند آن را در بر می‌گیرد. خدای تعالی در (سوره مائده/ آیه شریفه ۲) مسلمانان را به تعاون و یاری رساندن به یکدیگر فرمان می‌دهد. تحقیق پیش رو با هدف بررسی دیدگاه قرآن در رابطه با مشارکت اجتماعی پرداخته است. با توجه به اینکه موضوع تحقیق تحلیل مشارکت اجتماعی از دیدگاه قرآن بود، روش این تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا انتخاب گردید. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بود و اعتبار و روایی تحقیق از طریق اشباع نظری در تحلیل محتوای متن‌های مستخرج شده به اعتبار تحقیق بدست آمد؛ و در نهایت نتایج تحقیق نشان داد: شورا و مشاوره یکی از مباحث مهمی است که در فرهنگ اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. مشورت با مردم در مسائل مختلف زندگی و جامعه باعث رسیدن به راه حل‌های بهتر و دقیق‌تر و جلوگیری از تکرار اشتباهات می‌باشد. یکی از ارکان مهم جامعه می‌باشد؛ که تصمیم‌گیری صحیح مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این تصمیم‌گیری مسئولین نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند؛ که تحت عنوان شورا می‌توان آن را مورد بررسی و نقد قرار داد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، آیات قرآن، دیدگاه‌های قرآن، مشورت.

مقدمه

یکی از صفات اهل ایمان این است که در کارها با هم مشورت می کنند، در بدست آوردن رای درست به مشورت می نشینند و از رای صاحبان نظر و اندیشه بیشترین بهره را می گیرند. بدیهی است که مشورت هم در کارهای فردی و خصوصی و هم کارهای جمعی بسیار مفید و لازم است. در روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است که: هیچ مردی با کسی مشورت نمی کند مگر آنکه به سوی رشد هدایت می شود. امر شورا و مشورت آنچنان از اهمیت بسزایی برخوردار است که قرآن مجید یک سوره به نام شورا را به آن اختصاص داده است.

بیان مساله و اهمیت و ضرورت تحقیق

از منظر جامعه شناسی مشارکت به عنوان فرآیند تعامل چند سویه مطرح میشود که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی و اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی ترین اندیشه زیر ساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و شریک مساعی افراد است در جهت بهبود کیفیت و کمیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی است. مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و باز گشودن فرصت های پیشرفت به روی مردم تاکید کرد. (طوسی، ۱۳۷۰). یکی از پایه ها و اساس کار گروهی و مشارکت جمعی در هر جامعه ائی وجود اعتماد بین افراد است آن گروه یا جامعه است. زمانی که اعتماد عمومی به عنوان یک سرمایه اجتماعی در جامعه پررنگ باشد میتوان انتظار داشته باشیم که افراد با انگیزه و هدفی مشترک در انجام کار یا تصمیمی بطور جمعی همفکری داشته باشند، در واقع کارشناسان علل و عوامل مختلفی نظیر نداشتن روحیه انتقاد پذیری، فرار از مسئولیت، غالب بودن منفعت های شخصی بر مصلحت های گروهی، عدم احساس امنیت، رشد تکنولوژی و صدها دلیل دیگر که باعث شده کار مشترک جمعی در ایران ضعیف باشد (قرایی مقدم، ۱۳۹۴).

در فرهنگ غنی اسلام مشورت و مشارکت جایگاهی والامقام دارد. در نظام اسلامی مشارکت مردم به عنوان یکی از ارکان بقای آن نظام بوده و بزرگترین پشتوانه به حساب می آید. در قرآن موضوع شورا و مشورت در آیات متعدد آمده است، به عنوان نمونه در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می فرماید: «ای پیامبر در کارها با آنان مشورت کن» و یا در سوره شوری آیه ۳۸ می فرماید: «مومنان کسانی هستند که نماز را برپا می کنند و در کارها با یکدیگر مشورت می کنند». علاوه بر دستور صریحی که قرآن در این زمینه داده و همگان را به شورا دعوت کرده است، زندگی شخصی پیامبر و ائمه را نشان میدهد که در کارهای مهم را با یاران خود مشورت میکردند. در مراحل سیاست گذاری نظام اسلامی به تصمیم گیری توکل عقل فردی در هر درجه و مرتبه ائی از علو تعالی باشد اکتفا نشده است، چرا که می بینیم پیامبر اسلام با نبوغ ذاتی و درایت و هوش عالی که دارا بودند علاوه بر تاثیرات وحی از اندیشه تابناک برخوردار بودند ولی در موارد بسیاری با اصحاب خود مشورت می کردند. (قاضی زاده، ۱۳۸۴). ادیان الهی به ویژه اسلام، در اهمیت و ضرورت مشارکت اجتماعی توصیه ها و راهکارهای بسیاری ارائه نموده و بر آن تأکید داشتند و آن را ضامن بقای اجتماعی دانستند. حضرت علی (ع) در نامه ای از مردم مصر می خواهد که صحنه را ترک نکنند؛ زیرا «وَ اِنْ اَخَالَخَرْبِ الْأَرْقُ، مَنْ نَامَ يُنَمِ عَنهُ»؛ مرد جنگجو بیدار است و جنگ و جهاد با خوابیدن و کناره گیری از صحنه ها تناسب ندارد. جامعه پویا همیشه بیدار است و از همه ابعاد زندگی خود آگاه است. چنین جامعه ای می داند که در داخل چه می گذرد و چه باید بشود و می داند که از خارج چه می آید که نباید بیاید. اسلام در ضرورت مشارکت اجتماعی توصیه ها و راهکارهای بسیاری ارائه نموده و بر آن تأکید داشته است. اسلام مشارکت انسان ها را ضامن بقای اجتماعی دانسته و جوامعی را که مشارکت می کنند، جوامعی پویا می داند. مشارکت مؤمنان در عمل اجتماعی که از مصادیق عمل صالح و احسان است، دایره ای گسترده از اعمال در حوزه های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی و مانند آن را در بر می گیرد.

اهداف تحقیق

هدف کلی

هدف کلی پژوهش که به صورت تحلیل محتوا انجام خواهد شد، به تحلیل و بررسی دیدگاه قرآن در رابطه با مشارکت اجتماعی پرداخته خواهد شد.

اهداف جزئی

- ۱- شناخت دیدگاههای قرآن در باره مشارکت اجتماعی
- ۲- شناخت راههای افزایش مشارکت اجتماعی از دید قرآن

سوالات تحقیق

- مشارکت اجتماعی در آیات قرآن به چه صورت مطرح شده است؟
- مهمترین نشانه های مشارکت اجتماعی در قرآن چیست؟
- نقش عوامل گوناگون در مشارکت اجتماعی مطرح شده در قرآن چیست؟

چهارچوب نظری تحقیق

از میان نظریات مختلف مطرح شده به دلیل این که نظریه میلبرات نسبت به سایر مباحث از دقت بیشتری در زمینه سطوح مشارکت برخوردار است بنابراین برای بررسی خود پدیده مشارکت از این نظریه استفاده شده است که مشارکت بر اساس آن به هفت سطح تقسیم شده و علاوه بر آن عدم مشارکت نیز به عنوان یک گزینه در نظر گرفته شده است. (محسنی، ۱۳۸۲)

هرکدام از مکاتب موجود در جامعه‌شناسی با توجه به چشم‌اندازهای خود تعابیر متفاوتی از مشارکت اجتماعی ارائه داده‌اند:

- ۱- مکتب ساخت‌گرایی^۱؛ این مکتب معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود.
- ۲- مکتب کارکردگرایی^۲؛ این مکتب توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آن‌ها می‌شود. از نظر طرفداران این مکتب عملکرد یا فونکسیون^۳ی که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه به‌وجود می‌آورد، حائز اهمیت است؛ زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد. در این مکتب، نقشی که هر جزئی از ساخت اجتماعی در رابطه با کل در جهت یکپارچگی ایفا می‌کند، حائز اهمیت است.
- ۳- مکتب تضاد^۳؛ این مکتب مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند.
- ۴- دیدگاه‌های فرهنگی^۱؛ این دیدگاه جنبه‌های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای جامعه، به‌خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند، بررسی می‌کند. در این دیدگاه‌ها اهمیت

¹ Structuralism

² Functionalism

³ Conflict

متغیرهای ساختی انکار نمی‌شود ولی ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند. (چلبی، ۱۳۷۵).

۵- دیدگاه‌های روان‌شناختی^۱؛ این دیدگاه افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌داند. به‌منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله‌تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آن‌ها الزامی است. در این دیدگاه، تأکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس^۲ انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل‌انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند. (غفاری و همکاران، ۱۳۸۶).

در فرهنگ غنی اسلام مشورت و مشارکت جایگاهی بس رفیع دارد. در نظام اسلامی مشارکت مردم یکی از ارکان بقای آن نظام بوده و بزرگترین پشتوانه به حساب می‌آید. در قرآن کریم موضوع شور و مشورت در آیات متعددی آمده است. خداوند منان در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» ای پیامبر در کارها با آنها مشورت کن. همچنین در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید: «...وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآمَرُوا بِشُورَىٰ بَيْنَهُمْ» مومنان کسانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در کارها با یکدیگر مشورت می‌کنند. خداوند با نزول این آیات روش پیغمبر خود را که مشورت بود، امضاء کرده است چون خود پیغمبر نیز قبلاً دارای همین روش بوده است و ما می‌دانیم که او قبل از جنگ احد جلسه مشاوره نظامی تشکیل داده بود و این جملات فقط برای این است که روش پیغمبر را امضا کرده و بگوید که اصولاً پیغمبر جز بر طبق امر الهی قدم بر نمی‌دارد و روش متین او مورد تصویب و رضای الهی است (طباطبایی، ۱۳۴۱). در سوره نحل آیه سی و دوم زمانی که بلقیس از وزرا و درباریان خود کسب نظر و رای می‌کند، موضوع اظهار نظر و مشورت مطرح می‌باشد. بلقیس گفت: ای وزرا و درباریان من تاکنون بدون مشورت شما تصمیم نگرفته‌ام. رای بدهید چه باید کرد؟ جواب دادند که ما ضعیف نیستیم و نیروی کافی داریم که اگر لازم باشد مقاومت کنیم و در عین حال امر و اختیار با خودتان است هر تصمیمی بگیرید اجرا خواهیم کرد (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸). در آیات دیگری همکاری مومنان در کنار یاری خداوند قرار گرفته است (انفاق، ۶۲). خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده مسیر و جهت همکاری و تعاون را مشخص نموده و می‌فرماید: «(وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)» در نیکی و پارسایی با هم همکاری نمائید، نه در گناه و ستم کاری و از خدا بترسید که عذاب خدا بسیار سخت است. در قلمرو قرآن کریم وقتی از مردم دعوت به صدقه دادن، جهاد کردن، امر به معروف و نهی از منکر نمودن می‌کند، مصادیق بارز مشارکت را اعلان می‌دارد. گاهی نیز مشارکت در برخی شرایط برای افراد وظیفه شناخته شده است (توبه، ۹۳).

علاوه بر دستور صریحی که قرآن در این زمینه داده و همگان را به شورا دعوت کرده، زندگی شخص پیامبر (ص) وائمه هدی (س) نشان می‌دهد که حتی با داشتن علم سرشار الهی و تحصیل در مکتب "وعلمک ما لم تکن تعلم" هرگز کارهای مهم را بی مشورت اصحاب و یاران خود انجام نمی‌دادند، حتی گاه که نتیجه شورا با نظر خودشان مخالف بود، نظر خود را کنار می‌گذاشته و به مشورت عمل می‌کردند تا قدوه واسوه ای باشند برای هر زمان. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند و پیامبرش از مشورت نمودن بی‌نیازند ولیکن خدا آن را وسیله رحمت برای امت من قرار داد، زیرا کسی که به شور نشیند، به رشد و سعادت برسد و هر که آن را ترک کند، گمراه گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷). در مراحل سیاستگذاری نظام اسلامی به تصمیم‌گیری و توکل به عقل فردی در هر درجه و مرتبه ای از علو تعالی باشد اکتفا نشده چرا که می‌بینیم پیامبر اسلام با نبوغ ذاتی و درایت و هوش فوق‌العاده ای که داشتند علاوه بر تأثیرات وحی از اندیشه ای ژرف و تابناک برخوردار بودند، با این وصف به اندیشه دیگران و یاری گرفتن از آن بسیار اهتمام می‌ورزیدند و در موارد بسیاری با اصحاب خود به مشورت می‌نشستند و در جنگ احد و احزاب طبق نقل ابن هشام در اصل ونحوه مبارزه وجنگ مشورت فرمودند. (قاضی زاده، ۱۳۸۴).

¹ Cultural Perspectives

² Psychological Perspectives

³ Engels

مولای متقیان حضرت علی (ع) که دستور آن حضرت به مالک اشتر زیربنای مدیریت اسلامی است، در مورد مشورت می فرمایند: "شاوَر قبل ان تعزم و فکر قبل ان تقدم"، قبل از تصمیم مشورت کن و پیش از اقدام فکر کن. جالبترین تعبیر درباره مشورت در کلام امیرمومنان علی (ع) وارد شده، آنجا که می فرماید: "لاظهر کالمشاوره والاستشاره عین الهدایه" هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست، مشورت عین هدایت است؛ و در جای دیگر می فرماید: "وفی التجارب علم مستانف" تجربیات علم و دانش جدیدی است؛ اما با تمام اهمیتی که مشورت دارد، باید توجه دقیق به شرایط آن داشت، زیرا هرکس را به عنوان مشاور، به ویژه در کارهای مهم وسنگین، نمی توان انتخاب کرد که مشورت با کسانی که واجد شرایط نیستند نتیجه معکوس می بخشد و انسان را در تصمیم گیری‌ها ضعیف و ناتوان و گمراه می سازد. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: شورا شرایط و ابعادی دارد، کسی که به آن آگاه باشد، نتیجه می گیرد وگرنه زیان آن بر مشورت کننده از سود آن بیشتر است:

نخست اینکه طرف مشورت باید فردی صاحب عقل و خردباشد.

دوم اینکه انسان آزاده و با ایمانی باشد.

سوم اینکه دوست و دلسوز و علاقمند باشد.

چهارم اینکه آنچنان باش که اگر او را از راز و سر خود آگاه کردی، درکتمان آن نهایت دقت را به خرج دهد. با این شرایط نتیجه خواهی گرفت، زیرا وقتی عاقل و خردمند باشد، از نظراتش بهره خواهی گرفت و هنگامی که آزاده و با ایمان باشد، نهایت تلاش را در نصیح و خیرخواهی انجام می دهد و هرگاه دوست و دلسوز باشد اسرار تو را پس از آگاهی، کتمان می کند و آنگاه که او را از اسرار آگاه کردی و به تمام جوانب امور همچون خودت آگاهی یافت، مشورت به حدکمال می رسد و خیرخواهی در سرحد اعلاء (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷).

علی (ع) مشورت با چند گروه را ممنوع ساخته و در فرمان به مالک اشتر تاکید می فرمایند: هرگز بخیل را در مشورت خود دخالت مده که تو را از نیکوکاری منصرف کرده و از فقر می ترساند؛ و نیز با افراد ترسو و بزدل مشورت نکن که روحیه تو را تضعیف کرده و از تصمیم گیری قاطع باز می دارند؛ و همچنین حریص را به مشاوره مگیر که حرص و ستم را در نظر تو زینت می بخشد؛ زیرا بخل و ترس و حرص تمایلات مختلفی هستند که جامع آنها سوءظن به خدا است. (نهج البلاغه، نامه ۵۱) علی (ع) در کلام دیگری می فرماید: با کذاب و دروغگو مشورت نمما؛ زیرا که او چون سراب بوده، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می نمایاند. امام صادق (ع) نیز به چهار شرط دیگر اشاره کرده و می فرماید: با آدم مستبد و خودرایی، سست خرد، کسی که پیوسته رنگ عوض می کند و با افراد لجوج هرگز مشورت نکن. به این ترتیب، مشاوران باید از میان افراد آگاه، شجاع، با ایمان و دورنگر انتخاب شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷).

روش تحقیق

هر پژوهشی مستلزم داشتن روش، استفاده از اندیشه و سرانجام حرکت و جست و جو می باشد. در یک تحقیق درست، پژوهشگر بهتر است موضوع، روش، مخاطب و شرایط و ابزار تحقیق خود را معین کند. روش پژوهش به موضوع، اهداف پژوهش، فرضیه و امکانات اجرایی آن بستگی دارد.

با توجه به اینکه موضوع این تحقیق تحلیل مشارکت اجتماعی از دیدگاه قرآن می باشد، روش این تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا می باشد.

قلمرو پژوهش

قلمرو این پژوهش کلیه آیات قرآنی و احادیث و روایات در نظر گرفته شده بود اما پس از واکاوی و بررسی و تحلیل آیات قرآنی و احادیث و روایات یافت شد.

بحث و نتیجه گیری

علامه طباطبایی در ترجمه «فاذا عزم فتوکل علی الله» می‌فرماید: «لیکن آن چه را خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده»؛ زیرا بررسی و مطالعه جوانب مختلف مسائل اجتماعی، باید به صورت دست جمعی صورت گیرد اما هنگامی که طرحی تصویب شد باید برای اجرای آن اراده واحدی به کار افتد؛ یعنی پیامبر (ص) ملزم نیست که رأی اکثریت مردم را بپذیرد و به مرحله عمل درآورد. چون همان گونه که می‌دانیم علم و عصمت او به خزینة الهی متصل است و چه بسا مصلحت را در این پذیرش نبیند. همچنین از حضرت امام صادق (ع) حدیث است که «عزمت» بضم عین است و با این قرائت، معنی چنین است: «پس چون من برای تو عزم پدید آوردم و تو را به راه صواب ارشاد کردم و توفیق به تو دادم و اراده و صلاح را به تو باز نمودم»؛ و چنین قرائتی که حالت مفعولی پیدا کرده است، این قول که تصمیم نهایی پیامبر (ص) محصول برآیند نظرات امت است را تقویت می‌کند.

همان طور که گفتیم مشروعیت حکومت به وسیله اکثریت مردم اثبات نمی‌شود که معتقد به وجود حق مشورت در این زمینه برای مردم شویم؛ و همچنین حق مشورت لزوماً در همه اموری که متعلق به نظام و زندگی دنیوی مردم هستند وجود ندارد، مانند عزل و نصب قضات که امری شرعی است و در حیطه احکام الزامی می‌باشد با این که متعلق به دنیای مردم است. برای مثال ارجاع دعوا برای داوری به طاغوت با این که موضوعی دنیوی است ولی چون متعلق امری، الزامی و شرعی قرار گرفته مشورت بردار نیست. ولی در اداره اموال و امور شخصی و نیز امور عمومی کشور، رأی و نظر مردم و کارشناسان و متخصصان، تعیین کننده است و فقیه جامع الشرایط، کشور را بر اساس کارشناسی و خواست مردم اداره می‌کند البته با رعایت موازین اسلامی که مورد توجه و خواست خود مردم است.

طبیعتاً در این حالت دیگر شرایطی که برای مشورت شونده مثل تخصص یا ویژگی‌های خاص و... لازم بود مطرح نمی‌شود و همگان مورد نظرخواهی قرار می‌گیرند؛ و با انتخاب چنین روش‌های مشارکتی، مردم برای تعیین اعضای سازمان‌ها و تشکیلات اداری و امور اجرایی، احساس مسئولیت می‌کنند و انگیزه‌ای می‌شود که در مشکلات خویش دل مشغولی بیشتر داشته باشند و خویش را در سرنوشت زندگی صاحب اختیار بدانند؛ و قهراً این امر با اصل اولی مبنی بر سلطه انسان بر خویش نزدیک تر می‌باشد.

و این قسم از شؤون امت است که با مشورت خود مردم تأمین می‌شود و آیه «و امرهم شوری بینهم» ناظر به آن است، مانند مباحث و موارد تخییر و... که در آن‌ها مشورت نه به جهت دست یابی به حقیقت، بلکه به به خاطر رعایت حقوق مشورت شونده‌گان صورت می‌پذیرد؛ و در این جا که امرالناس است، شور و مشورت و رأی و نظر مردم معتبر است و به آن توجه خاص می‌شود و بنا به آیه روش شورایی در این جا لازم است، نه این که در امر خداوند و در احکام دینی نیز شورا بتواند قوانین الهی را کم و زیاد کند؛ به بیان دیگر خدای متعال نفرموده «و امرالله شورا بینهم».

در این صورت، مشورت، موضوعیت داشته و بیشتر جهت اموری چون: آزمایش، آگاهی بخشیدن، رشد فکری مردم، شخصیت دادن به امت، استفاده از تأیید آنان، به دور ماندن از اتهام استبداد و عدم انتقاد در صورت شکست، صورت می‌پذیرد؛ و در این نوع مشورت حتی اگر مشورت کننده، علم به واقع داشته باشد نیز به خاطر تحصیل ملاک هایی که گفته شد باید با دیگران مشورت کند.

در واقع مردمی که در بخش قانون گذاری و حوزه نبوت و امامت معصوم و در بخش حاکمیت و ولایت و رهبری پذیرای حق می‌باشند و تحت تربیت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، به دنبال تامین عدالت و حق گوئی هستند و مشورت‌های خود را بر پایه این مبانی پایه ریزی می‌کنند نه بر مبنای لذات شخصی و هواهای نفسانی و به همین علت در مسائل اجرایی تشخیص‌شان حجت است و با حضور و رأی آزادانه و اندیشمندانه در سرنوشت خود سهیم هستند؛ و این اکثریتی که توسط فضا و فرهنگ اسلام تربیت می‌شوند یعنی در جامعه علم و تقوا که اسلام تربیت می‌کند هرگز اکثریت، خواسته‌های هوس آمیز خود را بر حق و حقیقت ترجیح نخواهد داد؛ و مطمئناً در تصمیم گیری‌های خود مصلحت اسلام و مسلمین را لحاظ می‌کنند، همان‌طور که در حدیث شریف از قول امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: «خیرخواه کسی باش که با تو مشورت می‌کند»؛ و یا حدیث امام رضا (ع) که می‌فرماید: «هرکس در مشورت مسلمین فریب و نیرنگ بزند من از او بیزارم».

در پایان باید گفت که در تفسیر اجتهادی از دین، حضور و نقش مردم در حکومت دینی به اوج تلائم و تعامل می‌رسد و این بینش بر این باور است که در اسلام شیعی دین در فرآیند سیاست و حکومت، شأن نظارتی دارد نه شأن اجرایی. حضور دین با نظارت مقتدرانه، روال مند و نهادینه اش یک حضور استراتژیک است اما این به معنای سلب فاعلیت سیاسی اجتماعی مردم نیست بلکه در منطقه الفراغ‌هایی گسترده، فاعلیت اصلی با مردم است. همان‌طور که آیه شریفه می‌فرماید: و به تحقیق که رسولان خود را با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم برای برپایی عدالت قیام کنند.

شورا و مشاوره یکی از مباحث مهمی است که در فرهنگ اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. مشورت با مردم در مسائل مختلف زندگی و جامعه باعث رسیدن به راه حل‌های بهتر و دقیق‌تر و جلوگیری از تکرار اشتباهات می‌باشد. یکی از ارکان مهم جامعه می‌باشد؛ که تصمیم گیری صحیح مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این تصمیم گیری مسئولین نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند؛ که تحت عنوان شورا می‌توان آن را مورد بررسی و نقد قرار داد.

شوراها جمعی است که به منظور بحث و تبادل نظر و هماهنگی در امور مختلف تشکیل می‌گردد.

دنایای پر تحول امروز با تغییرات سریع و مداوم همراه است. پاسخگویی به نیازهای امروز و فردای جامعه ایجاب می‌نماید که جامعه، در قالب روش‌های متناسب و جدید به ارائه گردد.

از جمله آثار و برکات مشارکت اجتماعی اینست که مردمان اهل مشارکت با مشارکت خود این پیام را می‌دهند که نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت نیستند بلکه حساس‌اند و مسئولیت خود را درکنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پذیرفته‌اند. بدینسان مهمترین اثر و برکت مشارکت، زنده بودن جامعه و برخورداری از حیات است زیرا نشانه حیات، آگاهی و جنبش است و مشارکت که تجلی حساسیت جامعه نسبت به سرنوشت خود است، حاکی از نشان دادن واکنش‌های مناسب، نسبت به کنش‌های محیطی است. مشارکت، هم نشانه زنده بودن و بیداری جامعه است، هم زنده و بیدار بودن جامعه را تقویت کرده، استمرار می‌بخشد. از یک سو، هر چه سطح مشارکت در جامعه افزایش یابد، کنش اجتماعی، سازمان یافته تر می‌شود، از سوی دیگر، هر چه کنش اجتماعی سازمان یافته تر و نظام مندتر باشد، سطح بالاتری از مشارکت را ایجاد می‌کند بنابراین، مشارکت، یک کنش مثبت، کارساز و پر برکت اجتماعی است که بر زمینه آگاهی و اراده و خواست روئیده و نشانگر حیات یک جامعه است.

دیگر اثر و نتیجه مثبت مشارکت اجتماعی اینست که مشارکت، باعث می‌شود که سامانه فرهنگ آمریت - تابعیت کاهش یافته و شکننده می‌شود. هر چه سطح مشارکت در یک جامعه افزایش یابد، فرهنگ آمریت-تابعیت کاهش یافته و شکننده تر می‌شود.

رویارویی این دو را می توان در آنجا دید که اساساً مهمترین عامل ضد مشارکت در یک جامعه قوی بودن فرهنگ آمریت-تابعیت است. آنجا که فرهنگ آمریت-تابعیت مستقر و مستحکم است اساساً مشارکت، معنای حقیقی خود را از دست داده یا به سطح بسیار نازلی فرو کاسته می شود. زیرا در فرهنگ تابعیت، انتظار مردم، از خودشان نیست بلکه منتظر آمرانند که انجام کارها را بعهده گیرند.

در فرهنگ مشارکت، مشارکت چیزی بیشتر از سهم بودن و سهم داشتن است، بلکه مشارکت، فعالیت است آزادی که آدمی را به بازیگری فعال، آگاه، بیدار و زنده تبدیل می کند، نه فقط تماشاگری صرف.

نکته دیگر اینکه مشارکت منجر به بهبود وضع زندگی آدمیان می شود. زندگی اجتماعی، بازیچه دست اقبال و شانس نیست. مردمانی که در زندگی اجتماعی خود مشارکت نمی ورزند در واقع عنان زندگی و حیات جمعی خود را به بخت و اقبال می سپارند و بخت و اقبال هیچگاه نمی تواند یک زندگی شایسته را بسازد.

با توجه به مطالبی که تا کنون گفته شد مطالب ذیل استنتاج می شود:

- ۱- موضوع شورا فقط فرد نیست انسان فقط در مصالح فردی ملزم به مشورت باشد بلکه جامعه هم موضوع شورا است که در همه شؤون اجتماعی باید مشورت کرد.
- ۲- در تمام سطوح مدیریت چه مدیریت کلان و چه مدیریت عالی و چه میانی و خدماتی باید کارها را با مشورت انجام دهند چنانکه پیامبر اکرم (ص) به عنوان مدیر کلان و عالی جامعه و به عنوان زعیم و رهبر سیاسی از طرف خدا مأمور شده بود که مشورت کند و هم سیره عملی آن حضرت بر مشورت در همه شؤون زندگی استمرار داشت و لذا مدیران به عنوان ادامه دهندگان زعامت و رهبری آن حضرت باید به آن عنایت داشته و در همه کارها مشورت نمایند.
- ۳- همه اموری که به مصالح مسلمین مربوط می شود در قلمرو شورا قرار گیرد.
- ۴- شورا در نظام اسلامی محدود است اولاً به اموری که حکمی از طرف خداوند و رسول او در آن وارد نشده باشد و لذا جامعه اسلامی حق به شور گذاشتن احکام صریح اسلامی و فرامین پیامبر خدا را ندارد و ثانیاً افرادی که به عنوان مشاور برگزیده می شوند از شرائط و ویژگی هایی برخوردار باشند که برخی از آن ها از صفات ثبوتی که باید آن ها را داشته باشند و برخی از صفات سلبی هستند که باید از آن برکنار باشند.

راهکارهای توسعه مشارکت اجتماعی

۱. آموزش زیر بنای توسعه فرهنگی و اجتماعی است. آحاد توده مردم با آگاهی از شیوه های مشارکت، چگونگی فعالیت در آن، نتایج و پیامدهای مشارکت اجتماعی می توانند با حضور خود میزان و شمول آن را ارتقاء دهند.
 ۲. اعتماد اجتماعی مؤلفه بسیار مهم در امر مشارکت است. اعتماد افراد نسبت به هم اعتماد افراد نسبت به نهادها و دولت و بالعکس سبب توسعه و تعمیق مشارکتهای اجتماعی می شود.
 ۳. وجود فضای باز سیاسی، امکان نقد و نقادی، امکان تصمیم گیری و تصمیم سازی در امور شهری و به طور کلی همه گیری شیوه های دموکراتیک در زوایای مختلف زندگی شهری و تغییر ساختارها در این جهت، تنوع و بسط مشارکت های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.
 ۴. تقویت و توسعه زمینه های مشارکت اجتماعی مردم در برنامه ریزی های شهری از طریق بهبود شیوه های مدیریت شهری.
 ۵. تشویق فعالیت های جمعی و گروهی.
 ۶. تمرکز بر آموزش گروهی به جای آموزش انفرادی.
- وجود عوامل زیر نیز در افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم تأثیرگذار است:

۱. قانون اساسی کشور اجازه دهد که قشرهای وسیع تری به مجالس یا دیگر پست های انتخاباتی راه یابند. (۲) مردم این گونه برداشت کنند که گروه حاکم در کشور تغییر پذیر است.
 ۲. امکان تماس بین مردم و مسئولان آسان و زیاد باشد.
- فعالیت هایی که رسانه های گروهی در این زمینه می توانند داشته باشند به قرار زیر است:
۱. بررسی عملکرد طبقات ذی نفوذ در دوران پهلوی و تأثیر منفی آنها بر مشارکت مردم.
 ۲. تشکیل میزگردهایی برای ارائه راهکارهای عملی استفاده از ظرفیت مشارکتی جوانان در امور سیاسی و اجتماعی
 ۳. نشان دادن الگوهای موفق دیگر کشورها در زمینه استفاده از جوانان در عمران و آبادی روستاها.
 ۴. پخش گزارش از عملکرد شوراهای اسلامی روستاها و شوراهای کار و بررسی مشکلات روستائیان و کارگران بیش از گذشته

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امان الله قرایی مقدم، محسن کرمانی پور (۱۳۹۵) مبانی جامعه شناسی، نشر ابجد.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت در قرآن، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، تفسیر نمونه، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمد (۱۴۰۹ ق)، تبیین فی تفسیر القرآن، بی جا، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
- غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)؛ جامعه شناسی نظم، تهران، نی، ص ۲۹۰.
- غفاری، غلامرضا و همکاران، (۱۳۸۶)؛ جامعه شناسی مشارکت، تهران، نزدیک، ص ۱۶.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۸) بررسی برخی از ابعاد مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نوروزی، فیض الله و مهناز بختیاری (۱۳۸۸) «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، مجله راهبرد، سال ۲۴، شماره ۵۳: صص ۲۴۹-۲۶۹.

Social Participation Analysis from Quran's Perspectives

Mohammad Ali Haghdel

Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran

Abstract

Social participation is also of great importance in Islam. Islam has presented many advices and strategies and emphasized on it in the necessity for social participation. Islam recognizes the participation of human beings as a guarantor of social survival and deems societies that participate as dynamic societies. The participation of believers in social practice, which is an example righteous practice and benefaction, encompasses a wide range of activities in military, economic, cultural, scientific, political fields and the like. The God Almighty (Sura Ma'edeh / Shariah verse 2) commands Muslims to co-operate and help each other. The present study aims to investigate the Quran's perspective on social participation. Considering that the subject of the research was the analysis of social participation from the viewpoint of the Quran, the method of this research was qualitative and chosen as the kind of content analysis. The method of data collection was library and the reliability and validity of the research was obtained through theoretical saturation in analyzing the content of the extracted texts to the validity of the research. Finally, the results of the research demonstrated: council and consultation are one of the most important issues that have been paid special attention in Islamic culture. Consultation with people on various issues of life and society will lead to better and more precise solutions and avoid repetition of mistakes. Participation is one of the important elements of the society in which the proper decision-making based on Islamic education is of particular importance. In this decision-making, authorities play a special role that under the title of the council can be examined and criticized.

Keywords: Social Participation, Qur'an Verses, Quran's Perspectives, Consultation.